



**مقدمه مترجمان:** کتاب جنجالی جان بولتون مشاور امنیت ملی سابق دونالد ترامپ رئیس جمهوری امریکا بالاخره پس از کش و قوس‌های سیاسی و قضایی و به رغم تلاش‌های کاخ سفید برای جلوگیری از انتشار آن، رسماً منتشر شد. بولتون ۷۲ ساله ۴۵۲ روز مشاور امنیت ملی ترامپ بود و در یکی از اتاق‌های بال غربی کاخ سفید شاهد اتفاقات و تحولات مهمی در حلقه درونی دولت ترامپ و روابط امنیتی و خارجی آن بود که بخش‌هایی از این تحولات را در کتاب خود با عنوان «اتاقی که در آنجا اتفاق افتاد» (The Room Where It Happened) به رشته تحریر درآورده است.

این کتاب در ۵۹۲ صفحه واز سوی انتشارات «اسایمون و شوستر» منتشر شده و حاوی ۱۵ فصل است که علاوه بر ذکر برخی تعاملات جاری و اتفاقات غیرمترقبه در درون کاخ سفید و بویژه در حلقه تیم امنیتی و سیاسی ترامپ، به نحوه بولتون رئیس جمهور تازه کار با موضوعات مهم در حوزه روابط خارجی و بحران‌های بین‌المللی اشاره می‌کند؛ موضوعاتی نظیر روابط امریکا - روسیه، مناسبات امریکا - چین و سیاست واشنگتن در قبال کره شمالی، ونزوئلا، ایران، سوریه، ترکیه و برخی کشورها ای دیگر که بر اساس جمع‌بندی بولتون ترامپ در اکثر این موارد ناگام بوده است. بولتون در عین حال تأکید می‌کند که ترامپ به بحران و بحران آفرینی اعتیاد پیدا کرده بود. بولتون که خود به‌عنوان سیاستمداری تندرو و جنگ طلب مشهور است، پس از خروج از کاخ سفید، بخشی از تجربیات و مشاهدات دست اول خود را در این کتاب برای حمله به رئیس سابق خود به کار گرفته و بعضاً نکات جالب توجه و سرگرم‌کننده‌ای را درباره ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری ترامپ به خواننده ارائه می‌کند.

تصویری که او از ترامپ ارائه می‌دهد یک رئیس جمهور کم سواد و فاقد دانش سیاسی است که حتی از ساده‌ترین موضوعات مهم جهانی نیز آگاه نیست. نظیر آنچه که در یک دیدار رسمی با ترزا می نخست‌وزیر سابق بریتانیا اتفاق افتاده بود و به نوشته بولتون در این دیدار روتنی صحبت از تسلیحات اتمی می‌شود، رئیس جمهور ترامپ خیلی جدی سؤال می‌کند که مگر بریتانیا هم سلاح اتمی دارد.

مشاور امنیت ملی سابق ترامپ در کتاب خود با ذکر نمونه‌های مختلف از جمله نحوه تعامل ترامپ با رئیس جمهوری چین تأکید می‌کند که تصمیمات مهم ترامپ نه با هدف تأمین منافع ملی امریکا، بلکه با یک هدف مشخص و فردی اتخاذ می‌شد: پیروزی مجدد در انتخابات ریاست جمهوری (۲۰۲۰) امریکا. بولتون در این زمینه به دیدار سال ۲۰۱۹ ترامپ و شی جین پینگ رئیس‌جمهور چین در حاشیه اجلاس گروه ۲۰ در ژاپن اشاره می‌کند و می‌نویسد ترامپ در این دیدار به‌طور عجیبی موضوع صحبت را به انتخابات امریکا کشاند و با ذکر ظرفیت‌های اقتصادی چین ملمسمانه از همتای چینی خواست که به پیروزی در انتخابات امریکا کمک کند.

برخی از جداسگاری‌ها و اخراجی‌های دولت ترامپ در سال‌های اخیر خاطرات خود را در قالب کتاب‌های اینچنینی منتشر کرده‌اند اما می‌توان گفت کتاب جان بولتون با توجه به وضعیت خاص داخلی امریکا و تحولات اخیر در حوزه بین‌الملل و همچنین برخی افشاکاری‌های جدید، سرو صدای بیشتری ایجاد کرد به نحوی که کاخ سفید تلاش نمود با شکایت قضایی و حتی با مستحکم قرار دادن در اطلاعات محرمانه و طبقه‌بندی شده، جلوی انتشار آن را بگیرد. ویژگی مشترک کتاب‌هایی که اخیراً توسط مقامات سابق امریکا منتشر شده افشاکاری در مورد خصوصیات اخراقی و فردی رئیس جمهور ترامپ و آشفتگی بی‌سابقه در درون کاخ سفید و در سطوح بالای دستگاه امریکا است.

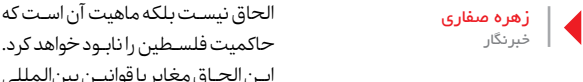
در حالی که جیمز کومی رئیس سابق پلیس فدرال امریکا (اف بی آی) به عنوان نخستین اخراجی ترامپ در کتاب خود تحت عنوان «وفاداری والتر» در سال ۲۰۱۸ ترامپ را با رئیس‌باندهای مقابیلی امریکا مقایسه کرده بود که فقط به دنبال جلدی وفاداری مقامات دولتی به شخص خود است، جان بولتون، ترامپ را فردی معرفی می‌کند که فقط به دنبال حفظ مقام و جایگاه خود به عنوان رئیس جمهور در کاخ سفید است و حتی از اینکه ریاست جمهوری‌اش به دو دوره چهار ساله محدود شود، ناراحت است.

نکته جذاب دیگر در مورد کتاب بولتون، پیشینه سیاسی خود نویسنده است که از نظر موقعیت و جایگاه سیاسی در جناح راست محافظه کاران طبقه بندی می‌شود و قبل از انتصاب به عنوان مشاور امنیت ملی ترامپ در بهار ۲۰۱۸، سابقه همکاری با دولت‌های رونالد ریگان و جورج بوش پدر و پسر را در کارنامه دارد که همگی جمهورریخواه بوده‌اند. اما چه اتفاقی در سال‌های اخیر در سطوح بالای سیاسی و در میان نخبگان امریکا روی داده است که فرد متعصب و محافظه کاری نظیر بولتون دست به چنین افشاکاری‌های تحقیرآمیزی علیه رئیس خود که یک رئیس جمهور جمهوریخواه است، می‌زند. مطالعه این کتاب جنجالی شاید به این سؤال و سؤالات بسیار دیگر درباره اوضاع سیاسی آشفته امریکا و نحوه تصمیم‌سازی در درون حلقه‌های بسته کاخ سفید پاسخ دهد. روزنامه ایران در راستای وظیفه اطلاع‌رسانی خود و در ادامه انتشار کتاب‌های مهم سیاسی در حوزه بین‌الملل از جمله خاطرات مقامات سابق امریکا، ترجمه کامل کتاب جدید جان بولتون را نیز در همین ستون و به‌صورت روزانه تقدیم خوانندگان محترم می‌کند.

- چهارشنبه ۴ تیر ۱۳۹۹
- سال بیست و ششم
- شماره ۷۳۷۶

# نتانياهو در جاده سنگلاخ «الحاق»

## مخالفت‌ها با طرح نخست‌وزیر اسرائیل در داخل و خارج از سرزمین‌های اشغالی بالا گرفت



کمتر از یک هفته تا وعده «بنیامین کرانه باختری و دره اردن، قشارها و مخالفت‌های داخلی و بین‌المللی موانع بزرگی را پیش روی نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی قرار داده است.

به گزارش «شینپوها»، شامگاه دوشنبه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل نیز وارد عمل شد تا با صدور سه قطعنامه به سود فلسطین، موضع خود در قبال سیاست‌های «نتانياهو» را نشان دهند.

در همین حال «صائب عریقات»، دبیر کمیته اجرایی سازمان آزادی بخش فلسطین نیز با اعلام موافقت ۱۹۲ عضو مجمع عمومی سازمان ملل به «فرانس پرس» گفت: «اتفاق بین‌المللی بزرگی شامل کشورهای عرب، آفریقایی و اروپایی متخالف‌های الحاق اراضی اشغالی فلسطین هستند.» به واقع فلسطینی‌ها نگران آن هستند نتانياهو همان‌طور که وعده داده بود از ابتدای جولای طرح الحاق ۳۰ درصد اراضی کرانه باختری را آغاز کند. آن هم در شرایطی که «عریقات» معتقد است تنها اسرائیل و شماری از سیاستمداران امریکا موافق این کار هستند و اکثریت قاطع اعضای سازمان ملل ۱۹۲ تا ۱۹۴ در موضع مخالف رژیم صهیونیستی قرار گرفته‌اند و جلسه امروز(چهارشنبه) کمیسیون امنیت سازمان ملل نیز در سطح وزرا با همین محور برگزار می‌شود. دبیر کمیته اجرایی ساف افرادی: «مشکل که به دنبال

همین هدف بود. «نیکلای ملادنوف»، سفیر صلح سازمان ملل در جمع تظاهرکنندگان گفت: «اگر امریکا از طرح الحاق حمایت کند نه تنها صلح خواهد برد. این طرح مغایر با قوانین بین‌المللی است و از فلسطینی‌ها می‌خواهیم با روش‌های صلح‌آمیز اعتراض خود را نشان دهند».

«اسون کوهن فان برگسدورف»، نماینده اتحادیه اروپا نیز اعلام کرد: «این برنامه اسرائیل بدون دردرس نخواهد بود و اتحادیه اروپا که مخالف معامله قرن بود، مذاکرات در مسیر راهکار دو ملتی را دنبال می‌کند».

به نوشته «فرانس پرس»، هم‌زمان با این تجمع عظیم و هزاران نفری رهبران کاتولیک و پروتستان در بیت المقدس نیز در بیانیه‌هایی نگرانی خود را از طرح الحاق کرانه باختری اعلام کردند. کرانه

باختری از سال ۱۹۶۷ تحت اشغال اسرائیل در آمد و از آن زمان علاوه بر ۲۰ میلیون فلسطینی، ۴۵۰ هزار اسرائیلی را نیز در خود جای داد.

■ **اختلاف‌نظر امریکایی و اسرائیلی**

اجرای طرح الحاق، بیش از جامعه بین‌المللی، اردن را نگران کرده به‌طوری که ملک عبدالله، پادشاه این کشور نیز با اولتیماتوم به نتانياهو اعلام کرد در صورت اجرای این طرح، اردن در روابط خود با رژیم صهیونیستی تجدید نظر خواهد کرد. پس از این اخطار-نه تنها کشورهای عرب از اردن حمایت کردند که به نوشته «نیویورک تایمز» بنی گانتس، رئیس حزب آبی و سفیدهای رژیم صهیونیستی و در واقع ستون دوم دولت ائتلافی اسرائیل نیز از موضع موافق در اجرای الحاق عقب‌نشینی و ادامه این کار را منوط به موافقت پادشاه اردن اعلام کرد. همین امر نیز شفاف دو رهبر دولت

خودمان با ایالات متحده و چین. ایران در حال تبدیل شدن به یک قدرت منطقه‌ای است (شده است) بدین معنا که هیچ مسأله‌ای در منطقه بدون حضور ایران حل نمی‌شود. شاید بهترین شاهد مثالش مسائل سوریه و یمن باشد (حتی اگر با این گزاره موافق نباشیم، ایران دست کم کشور تأثیرگذاری در منطقه است و امتیازاتی در منطقه دارد که می‌تواند طبق منافع ملی از آن بهره‌برداری نماید).

اما بازنگر جهانی منطقه ما در آینده چه کسی است؟ و از طریق ایجاد رابطه اقتصادی مستحکم با کدام قدرت جهانی باید به تقویت جایگاه ایران پرداخت؟ ایالات متحده از ۲۰۱۶ به صادرکننده انرژی تبدیل شده است، (ایین مهم با انقلاب نفت و گاز شیل، تغییرات سیاست ایالات متحده به‌دنبال بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸، تغییرات سیاست این کشور در استفاده از منابع نفتی آن کشور از جمله لغو قانون منع خام فروشی، پیشرفت تکنولوژی و پایین آوردن آستانه سودآوری استخراج مخازن طی دهه اخیر و... رقم خورده است). بیش از یک دهه است مهم‌ترین مسأله سیاست خارجی خود را چین و «جنگ تجاری» تعیین کرده است و در حال تمرکز نظامی بر اقیانوس آرام به جای خاورمیانه است درواقع ایالات متحده به دلایل «مختلف» رغبتی به ماندن در خاورمیانه ندارد. (ایران) در قبال تغییرات حال و آینده و تعریف ارتباط خودمان با این دو کشور است.

نگارنده طی یادداشتی به تاریخ ۱۲ دی ۱۳۹۷ در روزنامه اعتماد با عنوان «چرا، چگونه و به چه کسی منافع اقتصادی‌مان را گره بزیم» (ها) نگاشته بود: دوره معاصر نشان می‌دهد روابط بین کشورها زمانی پایدار می‌ماند که روابط تجاری ایشان مستحکم است. این واقعیت را می‌توان از ایده تشکیل اتحادیه اروپا تا تداوم همکاری آلمان و روسیه بعد از وضع تحریم‌ها علیه روسیه به دنبال بحران کریمه، مشاهده کرد. مهم‌ترین بازار در تجارت بین‌المللی، تجارت انرژی و بویژه نفت و گاز است و علت عقب نشینی ایالات متحده و اعطای معافیت به مشتریان نفت ایران (در آن بازه زمانی)، منطق بازار بوده است. با این حال تأکید شده بود عقب نشینی ایالات متحده موقت است اما لایې سعودی-اسرائیلی دائم. درواقع همان‌طور که در بند ۶ آن یادداشت ذکر شده بود تمام طرف‌های ایران و واقعیت بازار تنها برای رجزهای «کوتاه مدت» ایالات متحده می‌توانست کارایی نسبی داشته باشد، به بیان دیگر اگر سیاست ایالات متحده برای میان مدت یا بلند مدت به صفر رساندن نفت ایران باشد و وقت کافی و استراتژی لازم برای تقویت تولید درستان و خود ایالات متحده داشته باشد، نکته دیگر، وضعیت ماست، برگ برنده ما قدرت منطقه‌ای (یا وضعیت ما در منطقه) و دارا بودن منابع انرژی بویژه گاز است (آنچه در پیش‌بینی‌های جهانی در آینده وضع بهتری نسبت به نفت دارا خواهد بود) و نکته مهم آنکه برگ برنده ما بویژه انرژی، رقیب بازار امریکا و متحدان منطقه‌ای این کشور اما نیازمند منطقه‌ای است. به شرح مجدد این معنا که مطابق با آمارهای مختلف (برای مثال گزارش وپیش‌بینی BP) در افاق ۲۰۵۰ گاز مهم‌ترین منبع سوخت جهان خواهد بود، چنین در همین افاق و تا چند دهه بعد از آن اولین مصیر کنندنده انرژی خواهد بود و ایران نیز جزو سه

- http://irannewspaper.ir
- editorial@irannewspaper.ir

بر این باورند نتانياهو و طرفدارانش، اجرای طرح الحاق در برهه فعلی را فرصت طلایی رژیم صهیونیستی می‌دانند چراکه در صورت پیروزی «جو بایدن» در انتخابات ریاست جمهوری امریکا، ممکن است طرح یکسویه الحاق بدون حمایت ترامپ زمین بخورد. «ایهود اولمرت»، نخست‌وزیر سابق اسرائیل نیز بر این امر صحه گذاشته و معتقد است: «اصرار نتانياهو به این خاطر است که او نگران شکست ترامپ در ماه نوامبر و از دست دادن حامی اصلی‌اش در این راه است.» در عین حال «نتانياهو» نمی‌تواند جامعه عرب را نادیده بگیرد، چراکه به خوبی می‌داند مخالفت اعراب با طرح الحاق می‌تواند روابط رژیم صهیونیستی با کشورهای حوزه خلیج فارس (بحرین، عمان، قطر و امارات) را بدون هیچ جنگ مشهودی به بن‌بست برساند. «آرنوس گیلید»، از فرماندهان بازنشسته ارتش رژیم صهیونیستی همچون بسیاری از هم‌تایان بازنشسته خود معتقد است: «اسرائیل در اتحاد با کشورهای عرب می‌تواند در برابر دشمنان منطقه‌ای‌اش قدم‌کند کن‌اما با توجه به اینکه کشورها ی عرب نیز مخالف این طرح هستند نتانياهو حامی خود را از دست می‌دهد.» تحلیلگران معتقدند نتانياهو می‌خواهدبا اجرای طرح الحاق در آینده، اسرائیل را به کنوری دموکراتیک و مستقل تبدیل‌کند و با این روش فلسطین را محو کند. در این شرایط فلسطینی‌ها که دست به دامن جامعه بین‌المللی شده‌اند، امید زیادی به اردن دارند تا با اعمال فشارهایش مانع از این طرح موهوم شوند.

دارنده بزرگ منابع گازی جهان است. بنابراین پیوند استراتژیک با چین به‌عنوان یکی از دو قدرت اقتصادی جهانی دست کم از نظر اقتصادی و نیازها و منافع معقول‌تر می‌نماید. با این حال، در این راستا ذکر چند نکته را ضروری می‌دانم:

- می‌بایست توجه داشت عرصه سیاست و استراتژی عرصه پاینده و بنابیده نیست. عرصه هست‌ها و نیست‌هاست. ایران به دلایل مختلف امکان پیوند با ایالات متحده را ندارد (این گزاره بدین معنا نیست که برای کاهش تنش و امتیاز گرفتن از ایالات متحده نباید تلاش کرد) اما در نقطه مقابل امکان همکاری با چین را داراست و می‌تواند از نیازهای این قدرت جهانی (ولو دومین یا سومین یا چهارمین قدرت، انتخاب و تعیین معیار با شما) استفاده کند. بنابراین نسخه تقویت ارتباط استراتژیک - اقتصادی با چین نه لزوماً به معنای نفی قدرتمند بودن ایالات متحده است و نه منافاتی با تلاش برای کاهش تنش‌ها با غرب دارد (حتی می‌شود ادعا کرد ارتباط موثر و کارآمد با چین، برای کاهش تنش با غرب نیز می‌تواند مؤثر باشد. بدین معنا که چنین ارتباطی دست‌کم به کشورهای اروپایی نشان می‌دهد ایران بیش از این منظر کشوری نمی‌ماند و اگر خواهان منافع اقتصادی در بازار ایران هستند می‌بایست به اصولی پایبند باشند). همچنین تأکید می‌کنم که به هیچ وجه نباید تقویت ارتباط با چین منافاتی با اصل نگاه به داخل و قوی شدن داخلی داشته باشد.

- فراموش نکنیم غرب (ایالات متحده و اروپای غربی) وضعیت سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۰ را ندارد و به‌عنوان چشمه‌سار «انحصاری» سرمایه‌گذارنده انتقال تکنولوژی به‌طور تואمان و نه برای مصرف‌کننده ثابت بودن انرژی خاورمیانه. شرایط تغییر کرده است، چین هم توان سرمایه‌گذاری دارد (توانی که در مورد اروپا دیگر به اندازه سابق نیست) و هم نیازمند انرژی است (آنچه ایالات متحده از آن بی‌نیاز شده است). اگرچه نسبت به تحولات آن همچنان حساس باشد).

- چین یکی از فعالان پروژه‌های موفق دو دهه اخیر کشور بوده است از جمله پروژه میادین آزادگان شمالی و یادآور آن، به عبارت دیگر سطح پیشرفت تکنولوژی چینی‌ها به نحوی بوده است که اگر چه همچنان از همتای اروپایی و امریکایی‌اش پایین‌تر باشد اما قابلیت مقایسه را در برعادی داراست.

دست آخر، نگارنده امیدوارست فروش شود که در این برهه و در ایگرد ارتباط با چین، بیش از هر زمانی کشور نیازمند نهادهای کارآمد مدیریتی و نظارتی است، تا از این نیاز متقابل ایران و چین به یکدیگر به کارا ترین شکل بهره‌برداری شود. توجه جامعه مدنی و نهادهای مختلف از جمله دانشگاه‌ها به مسأله چینی می‌تواند در این زمینه نقش مکمل و راهگشا را داشته باشد که بررسی این موضوع خود تخصص مطلبی دیگری می‌طلبد با این حال برای مثال و با توجه به تخصص نگارنده، دانشکده‌های حقوقی می‌بایست به شناخت نظام حقوقی و منطق حقوقی چین مبادرت کنند که چنین امری می‌تواند ثمرات مختلفی از جمله افزایش درک متقابل درمذاکرات و در سطوح مختلف (حتی بین تجار) داشته باشد و در نهایت از منافع ایرانیان و منافع ملی به نحو احسن حراست شود.